



<http://www.arianafghanistan.com>



۴ جولای ۲۰۱۹

خلیل الله معروفی

سجده بر درگاه "احمد ظاهر"



از همین حالا از گردنم خلاص کرده و مینگارم، که در شرائط اسفناک و خونبار وطن، پرداختن به موضوعات خُرد و ریزه و عادی و جانبی، حکم گناه را دارد. من مگر عرایضم را با بهانه و شیر غلتِ "تنوع" و "تبدیل هوا" پیش میکشم. ضمن این نوشته به دو موضوع کاملاً مختلف از هم تماس میگیرم:

۱- یکی یادبود از چهلمین سالگرد درگذشت "احمد ظاهر"، در عین جوانی و در اوج شهرت و کامرانی:

درین شب و روز بازار "احمد ظاهر" بسیار چاق بود و هنوز هم هست؛ کسان فراوان در زمینه قلم روی کاغذ مظلوم الکترونیک کشیدند و هنوز هم میکشند. صرف نظر از وبسایتهای دیگر افغانان، که مرور همه برایم از هیچ نگاه مقدور نیست، نظری می‌ندازیم به وبسایت‌های "آریانا افغانستان آنلاین" و "افغان جرمن آنلاین". ببینیم، که درین دو صفحه چه گذشت و میگذرد؛ اندر باب "احمد ظاهر":

در "افغان جرمن آنلاین" فقط دو سه مطلب معدود درین مورد به نظرم رسید، اما در "آریانا افغانستان آنلاین" گپ از گپ گذشت و از حد و اندازه بیرون جَست. درین صفحه یادبود از مرگ "احمد ظاهر" از مبالغه به اغراق رسید؛ و چنین است رسم روزگار ما و در فرهنگ و زبان این منطقه. "اضافه‌روی" در کارها و "قهرمانسازی‌ها" خاصتاً در "مدح و تمجید و ستایش و ...". در شرق و منطقه ما و بالخاصه در زبان دری، کاریست سخت تعجب آور، اما در عین حال کاملاً واقعی و مشهود. "اضافه‌روی" در چنین عرصه‌ها از زمان قدیم در زبان ما دیده شده است و ما امروزیان، که وارثان اجداد و نیاکان خودیم، به مشکل میتوانیم خود را از زیر این بار گران برهانیم. جهت تمثیل عینی این پدیده، نگاهی بر دنیای "شعر دری" را مکتفی میدانم؛ چون یادآوری از ساحات و موارد دیگر و شگافتن موضوع از هر نگاه و از همه نقاط نظر، نه در حوصله قلم من است و درخور تحمل این نوشته مختصر.

در شعر دری از روزگاران بسیار قدیم صنعتی داریم به نام "مبالغه"، که معمولاً به "غلو" و "اغراق" می‌انجامد. اگر کسی به کتاب بسیار مشهور "منطق الطیر" حضرت "شیخ فریدالدین عطار نیشاپوری" نظری اندازد، ضمن نعت "پیغمبر اسلام" چنین خواهد خواند:

....

خواجه ای کز هرچه گویم بیش بود	در همه چیز، از همه در پیش بود
هر دو گیتی از وجودش نام یافت	عرش نیز از نام او، آرام یافت
همچو شبم آمدند، از بحر جود	خلق عالم، بر طفیلیش در وجود
نور او مقصود مخلوقات بود	اصل معدومات و موجودات بود
حق چو دید آن نور مطلق در حضور	آفرید از نور او، صد بحر نور
بهر خویش آن پاک جان را آفرید	بهر او، خلق جهان را آفرید
آفرینش را جز او مقصود نیست	پاکدامن تر از او، موجود نیست

....

اگر "عطار نیشابوری" و هر عارف دیگر جهان اسلام، ذره ای از عظمت آفرینش و پهنای لایتناهای کائنات را درک کرده می‌توانستند، هرگز چنین ادعائی را نمی‌کردند. ما، که در قرن بیست و یکم بسر می‌بریم، هنوز ملیاردم و تریلیاردم حصه کائنات را حتی به کمک بزرگترین و قویترین رادیوتلسکوپها هم نمیتوانیم درست تخمین کنیم. اسرار جهان و کائنات هنوز هیچ کشف نشده اند. وقتی ما امروزیان عظمت جهان و کائنات نامکشوف و ناشناخته را نمیتوانیم دریابیم، چطور به مدعیات هزار و چارصد سال پیش با آن دانش اندک و ناچیز و ناقص از جهان و کارگاه هستی، بتوان باور کرد؟؟؟ راه دیگری نمی‌ماند، غیر ازین، که چنین مدعیات را بر "صنعت مبالغه" در "شعر و عقیده" حمل بنمائیم. عقل من فقط در همین حدود قد میدهد؛ نه بیشتر و بیشتر ازین!!!

"صنعت مبالغه" در شعر مگر از زمانه های بسیار پیش نیز مورد انتقاد خود شاعران قرار گرفته است؛ چنان، که "ابوالمعانی بیدل" از سر توبیخ، "ظهیر فاریابی" و "انوری ابیوردی" را مخاطب ساخته فرمود:

از هیچ کس نِیم، صله اندوز بیش و کم

مداح فطرت، نه ظهیرم نه انوری

متأسفانه، که همین "حضرت بیدل" هم به رسته خود، در مورد خویشتن خویش به اغراق پناه برد و فرمود:

"عرش اگر باشم، زمین آسمان بیدلم"

ضمن مقاله دو قسمته "عرش اگر باشم، زمین آسمان بیدلم"، که پارسال در همین صفحه "آریانا افغانستان آنلاین" منتشر کردم، درین مورد بالنسبه به اشباع سخن رفته است. علاقه‌مندان موضوع را به مطالعه آن مقاله در دو لنک ذیل دعوت میکنم:

قسمت اول: http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Marooft_k_arsh_agar_baasham_1.pdf

قسمت دوم: http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Marooft_k_arsh_agar_baasham_2.pdf

غرض از یادآوری و ذکر نمونه‌هائی از اغراق و غلو، تمثیل فرهنگ "مبالغه" و فرهنگ "اضافه‌روی" در توصیف و تمجید و ستایش از ممدوح است. وقتی انبوه مقالات و کامنتها را درباره "احمد ظاهر" در "آریانا افغانستان آنلاین" میبینم، آن را فقط بر "فرهنگ اضافه‌روی" و "فرهنگ اغراق" میتوانم حمل بکنم، نه چیز دیگر!!!

۲ - مسأله دیگر نوشتن به نام مستعار است؛ آن هم در همین دو وبسایت:

مستعارنویسی در تمام دنیا و جهان و عالم رائج است، اما در بین نویسندگان ما موضوع به اصطلاح زنان اصیل کابلی "یک گره بالاتر" می‌رود.

در وبسایت "آریانا افغانستان آنلاین"، که آهسته آهسته آغشته "مستعاربازی" و یا بهتر است بگویم "مستعارکافی" میگردد، درین اواخر دو نفر از نام و مقام مستعار داد سخن دادند:

- یکی "هیچ" از "هیچ آباد" - مؤرخ ۱۶ جون ۲۰۱۹

- دگر "پکول" از "مرادخانی" - مؤرخ ۱۷ جون ۲۰۱۹

این دو مستعارنویس علنی، در دو روز پیهم و پیایی و پشت به پشت و پشت سر هم پیامهائی را صادر کردند و من از زبان "انوری باوردی" میگویم:

باش!!! تا صبح دولتت بدمد

کاین هنوز اول دم سحر است

در انترنت مصراع دوم را اینطور آورده اند:

"کاین هنوز از نتایج سحر است"

اگر مستعارنویسی بیشتر ازین باب روز گردد، فقط این نکته را میخوام برجسته بسازم:

خانه این دو مستعارنویس "آریانا افغانستان آنلاین" آباد، که با انتخاب چنین نامها، خود به «مستعار بودن» نام خود اقرار میکنند. نه این، که نامهائی را سر خود بگذارند، که در ظاهر کسی به "مستعار بودن" آنها پی نبرد - همان قسمی، که در "افغان جرمن آنلاین" کوت کوت و من من و تن تن و خروار خروار دیده میشود. هدف از نوشتن با نام مستعار در "افغان جرمن آنلاین" شاید ازین سبب مود و باب دندان ایشان گردیده است، تا هرکه را بخواهند بکوبند؛ و کس ظاهراً نداند، که از نیش قلم کدام شخص گزیده میشود. موضوع "نامهای مستعار" و "مستعارنویسی" را روزی ضمن مقاله ای مستقل بررسی خواهم کرد.

(برلین - ۳ جولای ۲۰۱۹)



سجده بر درگاه "احمد ظاهر"

Maroofi_k_۳۸_sajda_bar_dargaah_e_ahmad_zaaheer.pdf